

مرد بی‌رحم خانوادهاش را خفه کرد

مرد جوانی که به طرز هولناکی همسر و فرزندش را خفه کرده و گریخته است، به صورت غیابی در دادگاه محاکمه شد.

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ به دنبال تماس مرد میان‌سالی با پلیس شهریار آغاز شد.

این مرد گفت: من و خانواده‌ام سال‌هاست ساکن ساختمانی در شهرک اندیشه شهریار هستیم. مدتی است یک زوج جوان که به تازگی صاحب فرزند شده‌اند در همین آپارتمان همسایه ما هستند. گاهی اوقات صدای درگیری این زن و شوهر را می‌شنیدم و چون می‌دانستم اختلاف خانوادگی است، دخالتی نمی‌کردم. چند روز است صدایی از خانه همسایه به گوش می‌رسد و حتی من و همسر صدای گریه نوزاد آنها را هم نشنیده‌ایم. می‌ترسیم بلایی سرشان آمده باشد.

کشف جسد زن جوان و نوزادش

با این تماس، مأموران به ساختمان قدیمی رفتند و پس از گشودن در آپارتمان این زوج با جسد زن جوان و نوزادش روبه‌رو شدند که چند روز از مرگشان گذشته بود. شواهد نشان می‌داد این مادر و فرزند خفه شده‌اند.

جسد با دستور قضایی به [بیشکی قانونی](#) منتقل شد و مأموران برای افشای راز جنایت به تکاپو افتادند. در بررسی‌ها روشن شد شوهر پرستو به نام رضا همزمان با کشته شدن همسر و فرزندش به مکان نامعلومی گریخته است. با افشای این ماجرا فرضیه دست داشتن مرد جوان در جنایت خانوادگی قوت گرفت و مأموران به بازجویی از خانواده پرستو پرداختند.

مادر پرستو که شوکه شده بود به مأموران گفت: ۲ سال قبل رضا به خواستگاری دخترمان آمد. او می‌گفت همه اعضای خانوادهاش در یک حادثه فوت شده‌اند و او کسی را ندارد. ما ابتدا مخالفت کردیم اما او با اصرارهایش توانست موافقت ما را به این وصلت جلب کند. دخترم و رضا با برگزاری یک مراسم ساده زندگی‌شان را شروع کردند. آنها به

تازگی صاحب یک فرزند شده بودند، اما دامادمان بیکار بود و همین مشکلات مالی باعث اختلاف‌های او و دخترمان شده بود.

این زن ادامه داد: وقتی اختلافات دختر و دامادمان بالا گرفت و رضا مدعی بود دخالت‌های ما باعث این مشکلات شده است، با آنها قطع رابطه کردیم. مدتی بود از دخترمان خبر نداشتیم که مطلع شدیم او و نوه‌مان کشته شده‌اند.

در حالی که ردیابی مرد خشن به نتیجه نرسیده بود پلیس دریافت وی احتمالاً به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده است.

افشای راز ازدواج اول

مأموران در گام دیگری از بررسی‌ها توانستند خانواده رضا را که در یکی از شهرهای غربی کشور سکونت داشتند، شناسایی کنند.

پدر پیر رضا گفت: من و پسر همیشه با هم اختلاف داشتیم. به همین خاطر سال‌هاست هیچ رابطه‌ای با او ندارم و از آن بی‌خبرم.

اما پسرعموی رضا اطلاعات تازه‌ای در اختیار پلیس قرار داد. وی گفت: رضا سال‌ها قبل وقتی دانشجوی بود به یکی از همکلاسی‌هایش علاقه‌مند شد و به خواستگاری او رفت و با هم ازدواج کردند، اما بعد از مدتی و در حالی که به تازگی صاحب فرزند شده بودند با هم اختلاف پیدا کردند و از هم جدا شدند. بعد از این جدایی رضا فرزندش را به زن سابقش سپرد و برای همیشه به تهران رفت.

وی ادامه داد: چند سال از این ماجرا گذشته بود که رضا همراه یک زن جوان مقابل خانه‌مان آمد و گفت به تازگی ازدواج کرده است. آنها به خانه ما آمدند و شب را هم آنجا ماندند، اما چون رضا و پدرش با هم قطع رابطه بودند صبح روز بعد از او خواستم خانه‌ام را ترک کند، چون اگر پدرش به این ماجرا پی‌می‌برد از من دلخور می‌شد. آنها همان روز خانه‌ام را ترک کردند و دیگر هیچ خبری از آنها ندارم.

در حالی که تلاش اینترپل نیز برای ردیابی مرد خشن بی‌نتیجه مانده بود، پرونده جنایت خانوادگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به آن رسیدگی شود.

محاكمه غياي متهم فراري

در اين جلسه كه اوليای دم حضور نداشتند، وكيل آنها گفت: پدر و مادر پرستو براي دامادشان حكم قصاص خواسته‌اند. آنها مي‌گويند دامادشان آنها را فريب داده تا راضي به ازدواج او با دخترشان شده‌اند، اما رضا دخترشان را بي‌رحمانه كشته است و حالا براي قصاص مي‌خواهند.

سپس وكيل تسخيري متهم روبه‌روي قضات ايستاد و گفت: پليس در اين ۴ سال نتوانسته هيچ ردی از موكلم پيدا كند و نمي‌دانم او به كجا گريخته است.

در پايان جلسه قضات وارد شور شدند تا به صورت غياي براي مرد خشن حكم صادر كنند.

*منبع: همشهری آنلاین